

# روند تاریخی فرمانروایی و حاکمیت قدرتهای ساحلی بر دریای خزر

ابراهیم مشفق فر

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

## چکیده

حاکمیت قدرتهای پیرامون دریای مازندران در دوره‌های مختلف تاریخی با تحولاتی همراه بوده است. تا اواسط قرن دهم هجری که قدرت دریایی روسها در سطح آبهای این دریا ظاهر شد، عمدتاً امپراتوریها و قدرتهای مستقر در جنوب و غرب دریاچه سیطره داشتند و رقابتی در آن وجود نداشت. از آن پس تا انعقاد معاهده ترکمنچای میان ایران و روسیه در سال ۱۲۲۸ کشمکش‌هایی میان این دو کشور محیط بر دریاچه وجود داشت که با نوساناتی، حاکمیت آن دو را در پی داشت. روسها تا انقلاب ۱۹۱۷ سیطره سیاسی، نظامی بلامنازعی بر آن داشتند که پس از انقلاب، حقوق ایران نیز بر این دریا به رسمیت شناخته شد. این مقاله در پی واکاوی روند تاریخی فرمانروایی و حاکمیت قدرتهای ساحلی بر دریای خزر است.

کلیدواژه‌ها: دریاچه خزر، ایران و روسیه، تاریخ معاصر، ایران و دریای خزر

## مقدمه

در سالهای اخیر ابعاد تاریخی مسائل دریای خزر کمتر مورد کندوکاو قرار گرفته است. کسانی در این زمینه آثاری ارائه کرده یا به تفصیل در حد کتاب و آن‌هم با گرایش خاصی بدان پرداخته و یا در چند صفحه در بخشی از مقاله‌ای رویدادهای چند هزار ساله آن را مرور کرده‌اند. با این ملاحظات و با توجه به اینکه در جریان مسائل روز دریای خزر، پیوسته به گذشته آن نیز به اقتضای مباحث رجوع می‌شود، به نظر می‌رسد پرداختن به این موضوع در حد مقاله‌ای در عرصه تحقیقات بی‌فایده نخواهد بود.

در این مقاله از زاویه اعمال سلطه و حاکمیت به مسائل دریای خزر نگریسته شده و اینکه کدام یک از اقوام و قدرتهای حوزه این دریاچه بزرگ جهان در مقاطع تاریخی بر آن سیطره و غلبه و حاکمیت داشته و آن را در حوزه نفوذ و قدرت خود نگه داشته است. ملاحظه می‌شود که بخش قابل توجهی از حجم زمانی فرمانروایی بر آن به قدرتها و امپراتوریهای اختصاص دارد که در حوزه جنوبی آن با مرکزیت ایران قدرت داشتند و در قرون باستان غیر از یک برهه که امپراطوری خزرها در حوزه غربی آن قدرت داشتند بقیه به حاکمیت هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، مربوط است. در قرون میانه نیز عمدتاً قدرتهای حوزه جنوبی آن نظیر سلجوقیان، ایلخانان مغول و صفویان بر آن سیطره داشته‌اند و از اواخر دوره صفویه (قرن ۱۲ هجری قمری / قرن ۱۸ میلادی، و با قدرت یافتن تزارها در شمال دریاچه تا اوایل قرن بیستم میلادی این تسلط با نوساناتی همراه است؛ هرچند سلطه قدرتهای حوزه شمالی پررنگتر است. و سرانجام سلطه تقریباً بلامنازعی از زمان شکست ایرانیان در جنگهایی با روسها (اوایل قرن نوزدهم) از حوزه شمال توسط تزارها اعمال شد و تا

انقلاب بلشویکی (اوایل قرن بیستم) ادامه یافت و از آن پس با الغای قرارداد ترکمنچای، حاکمیت مطلق شورویها برطرف، و فرصتهایی هم به ایران داده شد و حقوق متساوی دو کشور و هرچند صرفاً روی کاغذ و نانوشته در دریای خزر پذیرفته شد.

## ۱- روابط قدرتهای مستقر در جنوب و اقوام ساکن در شمال

### دریاچه خزر

مهمترین مسئله‌ای که در پیشینه خزر جلب توجه می‌کند این است که از قرون باستان و میانه تاکنون کدام قدرتها و حکومتها بر آن تسلط و حاکمیت داشته‌اند و به تعبیری دیگر از لحاظ سیاسی سرگذشت این دریا چگونه بوده است. در پاسخ این سؤال اساسی لازم است ضمن مروری بر قدرتهای سیاسی - نظامی مسلط در حوالی این دریاچه بزرگ جهان در صورت وجود رقابتهای، تنازعات میان آنها نیز مورد امعان نظر قرار گیرد.

اگر جابه‌جایی اقوام آریایی و کوچ آنان را از نواحی شرقی و شمال شرقی<sup>(۱)</sup> به داخل نجد ایران از هزاره پیش از میلاد (زرین کوب، ۱۳۶۴: ۳۴) شروع شد، مبنا قرار دهیم، طبعاً باید وضعیت حکومتهایی را بررسی کرد که در جنوب دریای خزر و با مرکزیت نجد ایران استقرار داشتند. در این راستا اقوام ساکن در شمال این دریاچه و روابط آنان با حکومتهای جنوب نیز باید جست‌وجو شود.

بنابراین در نگاه اول این فرایند را از زمان مهاجرت اقوام آریایی به داخل نجد تا ورود اسلام در ایران در اواسط قرن هفتم میلادی از نظر می‌گذرانیم و سپس به همین منوال در قرون میانه ایران موضوع را پی می‌گیریم. در این مقطع زمانی (۶۵۵ قبل از

میلاد تا ۶۵۱ میلادی) به ترتیب مادها، هخامنشیان، سلوکیان، اشکانیان و ساسانیان به مرکزیت ایران حاکمیت داشتند... که در دوران اوج حاکمیت این حکومتها بویژه در عصر هخامنشیان قلمرو حکومتشان از آسیای میانه و جنوب روسیه تا جزیره العرب و از یونان و شمال آفریقا تا هند گسترش یافته بود.

در این ادوار تاریخی نقطه ثقل قدرت سیاسی نظامی حواشی خزر در جنوب آن قرار داشت و این حکومتها دارای اعتبار و اقتدار بودند و عمدتاً بر مناطق مجاور خزر بویژه نیمه جنوبی آن تسلط داشته‌اند.

گرچه این تسلط در دریای خزر، نمود دریایی نداشت و قدرتهای جنوب به سبب موقعیت بسته این دریاچه و برای رویارویی با اقوام متخاصم، که دارای خاستگاه شمالی بودند از نیروی دریایی و تجهیزات و امکانات متعلق به آن استفاده نکردند، روی هم رفته سیطره آنان در کرانه‌های شرقی و غربی و جنوبی دریای خزر در طی این قرون و اعصار بلامنازع بود. البته باید آن مقاطع محدود را، که سکاها<sup>(۲)</sup> در فاصله سالهای ۶۵۳ تا ۶۲۵ قبل از میلاد پس از غلبه بر مادها بر آنان حاکمیت یافتند (خدادادیان، ۱۳۸۰: ۹۶-۹۵) و یا رومیها گاهی بر بخشهایی از قفقاز و ارمنستان و گرجستان چنگ انداخته، موقتاً آن را در اختیار می گرفتند، مستثنی کرد. گفتنی است که ارمنستان پیش از اسلام بویژه در عصر پارتیان (اشکانیان) اهمیت زیادی داشته است و تحولات این منطقه اصلی ترین و مهمترین علت جنگهای ایران و روم در آن زمان بود و به همین دلیل نیز جنگهای طولانی بین ایران و روم در عصر ساسانیان در گرفت (گیرشمن، ترجمه معین، ۱۳۶۶: ۱۶۱).

البته مزاحمتها و دردهای که اقوام و قبایل مستقر در نیمه شمالی سواحل دریای خزر از جمله مناطق شرقی و غربی به وجود می آوردند، گاهی جدی و

خطرناک بوده است و آنان دشمنان دست و پا بسته‌ای نسبت به حکام و حکومت‌های مقتدر جنوب با مرکزیت ایران نبوده‌اند. برای تبیین این مطلب لازم است قدری وضع و حال آنها را مورد تامل و دقت قرار دهیم. این اقوام شامل سکاها، آلانها، خزرها و خوارزمیان بودند.

### سکاها

این طوایف در جنوب روسیه فعلی (زرین کوب، ۱۳۶۴: ۱۵۱) و به صورت نیمه وحشی به سر می‌بردند و رودهای دانوب، ولگا، دنیپر و دنیستر اردوهای آنها را جدا می‌کرد (زرین کوب، ۱۳۶۴: ۹۱). «اینان اردوهای غارتگری از سواران جنگجوی آریایی به شمار می‌آمدند که از دیرباز در شرق و غرب فلات، دائم در نواحی آباد و بی‌دفاع مجاور تاخت و تاز می‌کردند (پیرنیا و اقبال، ۱۳۶۲: ۵۳)». مهمترین مشغله مادها و هخامنشیان با این قوم و تاخت و تازهای آنها بود و درگیریهای دامنه‌دار و سختی بین سلاطین ایران و آنان وجود داشت. اما جدی‌ترین برخورد با سکاها موقعی بود که هووخشره پادشاه مقتدر ماد مشغول محاصره نینوا پایتخت آشور بود که از عبور سکاها از قفقاز به شمال قلمرو مادها خبردار، و مجبور شد محاصره نینوا را متوقف کند و برای مقابله با سکاها در شمال دریاچه اورمیه به جنگ پردازد اما وی در این جنگ شکست خورد و به شرایط آنان تن داد و از آن پس، مملکت ماد و ممالک مجاور در معرض تاخت و تاز آنان قرار گرفت و تا دریای مغرب را دربر گرفت. آنان به مدت بیست و هشت سال بر ماد مسلط بودند تا اینکه هووخشره پادشاه و سرکردگان آنها را میهمان و مست کرد و همه را کشت و سکاها را بیرون کرد (۶۱۵ ق.م) (هرودوت، ترجمه مازندرانی، ۱۳۶۲: ۳۰۰-۲۸۰). در دوره هخامنشیان نیز درگیری با سکاها به صورت جنگ و گریز ادامه یافت که پر

آوازه‌ترین آنها اردو کشتی بزرگ داریوش اول بود که از سال ۵۱۳ ق.م. شروع شد و به تعقیب سکاها در آن سوی بسفور ادامه یافت و به عقب نشینی مرموز آنان به آن سوی رود دانوب انجامید و آن گونه که پدر تاریخ (هرودوت) به تفصیل این لشکرکشی را بیان کرده، داریوش بدون اخذ نتیجه مطلوب پیش از این به تعقیب آنان پرداخت<sup>(۳)</sup> (خدادادیان، ۱۳۸۰: ۱۹۸).

البته در گزارشهای تاریخی هیچ گونه اشارتی نرفته است که در این جنگها و تاخت و تازها از دریای خزر و کشتیرانی در آن استفاده شده باشد. پرداختن به این بحث بدین دلیل است که رابطه ساکنان حواشی شمال دریاچه و جنوب آن را به دست داده باشیم.

### آلانها

قوم آلان<sup>۱</sup> که اصالت آریایی به آنها نسبت داده شده است «سرزمینهای وسیعی در کرانه دریای خزر تا مصب رود ولگا را تصاحب کرده بودند.» (رضا، ۱۳۶۵: ۹۰) و سرزمین اینان در شمال قفقاز واقع و تا درهٔ داریال کشیده شده است. بخشی از نواحی شمالی دربند معروف قفقاز در سدهٔ سیزدهم میلادی به آلانها تعلق داشت (پیگولوسگایا، ترجمه رضا، ۱۳۷۷: ۱۰۸).

آلانها در سال ۷۲ میلادی از طریق دریاچه مئوتیس<sup>۲</sup> (آزوف) و از راه قفقاز و هیرکان (سرزمینهای ساحلی دریای خزر) به ماداتور پاتکان یورش بردند. پاکور برادر ولگوش (ولاش) پادشاه اشکانی ناگزیر از فرار شد و تیرداد شاه ارمنستان نیز به سختی خود را نجات داد (خدادادیان، ۱۳۸۰: ۱۹۸).

1- Alannen

2- Meotis

پس از حل مسئله ارمنستان میان ایران و روم براساس معاهده سال ۶۳ میلادی قوم آلان با ایبری‌ها (گرچی‌ها) همدست شده به ارمنستان و آذربایجان یورش بردند و بلاش به ناچار از وسپازیان قیصر وقت روم کمک طلبید، اما قیصر برای بیرون راندن این مهاجمان از ایرانیان حمایت نکرد و این متجاوزان توانستند پس از تاخت و تاز گسترده، غنائم فراوانی را با خود ببرند. خروج آلانها و گرجیان از ایران را به سال ۷۷ میلادی نوشته‌اند (پیگولوسگایا، ترجمه رضا، ۱۳۷۷: ۱۱۶-۱۱۳).

همچنین در سال ۱۳۶ میلادی گروه بی‌شماری از آلانها به اران و آذربایجان حمله کردند و از ارمنستان و کاپاد و کیه گذشتند. خرازمان شاه گرجستان در این ماجرا دخالت داشت و به تحریص و ترغیب آلانها پرداخته و به آنها اجازه داده بود از گرجستان بگذرند. رکبکت (رکبکتوس) سردار سپاه آدیابن به یاری و لاش شتافت و پس از تمهیدات لازم، سپاهیان متحد آدیابن و اشکانی به مقابله و جنگ با آلانها پرداختند اما رکبکت در جنگ کشته شد. آلانها سرازیر شده، شهرها را تصرف کردند. در این هنگام یورش تیره دیگری از آلانها بر ضد مهاجمین مانع از ادامه تطاول آنان گردید و آنان ناگزیر برگشتند. البته بنا بر روایت آریان<sup>۱</sup> و لاش قادر به جلوگیری از هجوم آلانها نبود و این هجوم با کمک فرمانروای کاپاد و کیه متوقف شد (همان: ۱۱۶-۱۱۳).

در عصر ساسانیان نیز از جنگ بین آلانها و ایرانیان گزارشهایی وجود دارد. کریستین سن وقتی از اصلاحات لشکری خسرو اول بحث می‌کند به تهاجم پادشاه اقوام ابخاز و خزر و آلان پرداخته و از پیشروی آنان در ارمنستان نوشته است. طبق این گزارش آلانها شکست خوردند و ده هزار نفر از آنان به اسارت درآمده، در

آذربایجان و نواحی مجاور آن مستقر شدند. پس از این رویداد به امر کسری استحکامات قلعه مهم سرجدی در بند (باب الابواب) تقویت، و سربازان شجاع جایگزین گردید<sup>(۴)</sup> (کریستین سن، ترجمه یاسمی، ۱۳۶۷: ۲۳۵). همچنین در منابع ساسانی از درگیری پیروز (۴۸۴ - ۴۵۹ م) با ساراگور<sup>۱</sup> و اقوام وحشی دیگر سخن رفته است (کستلر، موحد: ۱۵).

### اقوام شمال شرق دریاچه

در نواحی شرقی دریای خزر هم اقوامی ساکن بودند که روابط توأم با تخاصم و چه بسا مسالمت آمیز با دولتهای مستقر در جنوب آن داشته‌اند. از طوایف ماساگتای (= مس ساگه) که در نواحی میانه یا سفلی جیحون سکنی داشتند نام برده شده است از قول هرودوت برمی آید که کوروش مؤسس هخامنشیان در جنگ با این طوایف کشته شده، هرچند صحت و سقم این خبر جای بحث دارد، قدر مسلم اینکه این طوایف نیز از سکاهای بوده‌اند (زرین کوب، ۱۳۶۴: ۱۲۹). داریوش اول (۵۲۲ - ۴۸۵ ق.م) موفق شد رئیس سکاهای و ماساژتها به نام اسکونخا را مطیع و منقاد سازد.

خوارزمیان اقوامی بودند که با ساسانیان به درگیریهایی پرداخته‌اند. «اینان در سرزمین جنوبی تر از استان خوارزم سکنی داشتند. شاپور در پیکارهای سخت به پیروزی دست یافت و موقعیت مرزهای شرقی ایران را استحکام بخشید» (پیگولوسگایا: ۲۲۷) و بعد از پایان کار آنان روان شد تا ساکنان کرانه دریا را به اطاعت درآورد. در جریان این درگیریها نیز گزارشی از بهره‌گیری طرفین از



دریای خزر چه به منظور جنگ در عرصه دریا و چه به منظور نقل و انتقالات نیروها وجود ندارد و در واقع این دریا نقشی در این روابط خصمانه ایفا نکرده است.

### خزرها

خزرها از قرن هفتم تا دهم میلادی در کرانه‌های شرقی اروپا در میان قفقاز و ولگا حاکمیت داشتند. خزرها ابتدا زیر سلطه هونها و بعد تحت سلطه ترکها بودند (کستلر: ۲۹). دیامونوف باستانشناس روسی در مورد قلمرو حاکمیت آنان می‌نویسد: «خزرها تا قرن نهم در تسلط خود بر نواحی شمال دریای سیاه و بیابانها و جنگلهای مجاور دینپر رقیبی نداشتند. خزرها به مدت یک قرن و نیم فرمانروای بلامنازع نیمه جنوبی اروپای خاوری بودند و چون دژی استوار در دروازه اروپا از اورال تا بحر خزر در برابر آسیا مقاومت می‌کردند.» (کستلر: ۲۲)

درباره روابط خزرها با قدرتهای محیط در جنوب دریای خزر گزارشهای مفصلی وجود دارد. براساس این گزارشها هم درگیریها و تخاصماتی میان آنها بوده و هم روابط مسالمت‌آمیز. طبق گزارشی «خزران در زمرة سپاهیان و جنگاوران و هرام پنجم» (رضا، ۱۳۶۵: ۷۷) بوده‌اند. اما به یک نکته با اهمیت در این فرایند اشارت رفته است که اینان در صدد بودند که راه ابریشم را زیرنظر گیرند و بدین وسیله در روابط بازرگانی با روم شرقی (بیزانس) سود فراوان به چنگ آورند و برای رسیدن به این هدف با ترکان قصد اتحاد داشتند و این قصد و نیت، آنان را در مقابل قدرتهای ایرانی قرار می‌داد. در مجموع تصادم میان خزران و ساسانیان در قفقاز و در جریان تهاجم خزرها به دربند و گرجستان نمود یافته است. البته آنان برخی از این تهاجمات را به اتفاق ترکان و رومیان ترتیب دادند؛ چنانکه در یکی از این تهاجمات در زمان سلطنت خسروانوشیروان، خطوط دفاعی دربند که از دیوار سنگی بسیار بلندی به

درازای چهل کیلومتر از کوهستان تا کرانه دریای خزر امتداد داشت، درهم شکسته شد و نیروهای متحد خزرها و ترکها به قفقاز سرازیر شدند (رضا، ۱۳۶۵: ۱۶۵). هر چند این تصادمات و درگیریها در روابط ایران و خزرها وجود داشت، گزارشی از درگیریهای میان طرفین در دریای خزر و یا بر مبنای این دریا ثبت نشده و این درگیریها در سواحل غربی آن رخ نموده است. بنابراین از نقش دریایی در این درگیریها نیز اطلاعی وجود ندارد.

## ۲- وضعیت قدرتهای ساحلی از قرن اول تا قرن هفتم هجری قمری

در طی قرون نخستین اسلامی (از قرن اول هجری/هفتم میلادی تا قرن پنجم/اواخر قرن یازدهم میلادی) و همزمان با حاکمیت امپراتوری خزرها در قفقاز و امپراتوری اموی و عباسی در دنیای اسلام، دریاچه خزر در معرض تعاملات آن دو (خزرها و دولتهای اسلامی) بود. ضمن اینکه سلسله‌های محلی ساحلی ایران چون شروانشاهان، آرانیان، دیلمیان، با دو سپانیان، باوندیان طبرستان، زیاریان، خوارزمشاهیان و غیره در این تعاملات بویژه دادوستدهای تجاری نقش خاصی داشتند و در عین حال، حافظ امنیت آبهای مجاور خود در مقابل تهاجمات وایکنیگ‌ها و روس‌ها بودند که از طریق رودخانه ولگا به منظور غارت جوامع ساحلی ایران به این دریا وارد می‌شدند. اغلب این تهاجمات با اجازه خاقان‌های خزر صورت می‌گرفت، زیرا قسمت عمده غنائم به عنوان سهم خاقان در نظر گرفته می‌شد (هرمیداس باوند، ۱۳۸۰: ۸).

در دوران امپراتوری سلجوقیان و تا حدودی خوارزمشاهیان، این دریاچه در کنترل مؤثر آنان قرار گرفت بویژه در زمان آلپ ارسلان (۴۵۵-۴۶۵ هـ ق/ ۱۰۶۳-

۱۰۷۲ میلادی) و ملک‌شاه (۶۶۵-۴۸۵ هـ ق) که سلطه امپراتوری از سیحون تا مدیترانه بطور مؤثر اعمال می‌گردید، دریای خزر از امنیت ویژه‌ای برخوردار بود. پس از استیلای مغولها بر دنیای شرق و گسترش قلمرو آنها تا شرق اروپا دریای خزر در محدوده قلمرو این امپراتوری قرار گرفت (هرمیداس باوند، ۱۳۸۰: ۸).

### ۳- دوران اختلافات و معاهدات

#### الف - پیدایش قدرت دریایی روسیه تزاری در خزر

پس از حمله مغولها به روسیه، شمال دریای خزر به جوجی پسر چنگیز رسیده بود. پس از مرگ او نیز سرزمینهای پهناور امپراتوری وی بین دو پسرش اوردا و باتو تقسیم شد. این دو در سال ۷۸۰ ق / ۱۳۷۸-۱۳۷۹ م. با هم متحد شدند<sup>(۵)</sup> و سراسر روسیه را زیر سیطره گرفتند و از امیران و حاکمان محلی باج گرفتند تا اینکه در سال ۸۶۷ / ۱۴۶۱ ایوان سوم<sup>۱</sup> به نام امیر بزرگ مسکو شهرت یافت (والتر، ترجمه حسام معزی، ۱۳۶۳: ۶۷). شهبانگه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ایوان سوم همزمان با آخرین فرد خاندان چنگیزی، که مردی دلیر و مدبر و مقتدر به نام سیداحمدخان بود، میان این دو جنگی به وقوع پیوست. هر چند نتیجه جنگ قطعی نبود، کمی بعد سید احمدخان به دست ایبک خان رئیس شیانیان کشته شد (۱۴۸۱/۸۸۷). پسر اوشیخعلی با پادشاه لیتوانی متحد شد و به جنگ با ایوان چهارم معروف به ایوان مخوف پرداخت. ولی منگلی گرای متحد ایوان مخوف به

شهرسرای تاخت و آن را ویران کرد و حکومت مغولان را در روسیه برانداخت (۱۵۰۲/۹۰۲) (نوائی، ۱۳۷۷: ۲۰۲).

ایوان چهارم در سال ۱۵۵۲/۹۵۹ غازان را تصرف کرد و بدین ترتیب امپراتوری غازان به عنوان سد راه روس‌ها برای دسترسی به آسیای مرکزی، قفقاز و ایران از طریق رود ولگا و دریای خزر از مقابل برداشته شد (کالیتسوف و دیگران، ترجمه کامرانی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۱۳) و در سال ۱۵۵۴/۹۶۱ هشترخان (حاجی ترخان یا آستارا خان) را نیز تصرف کرد و «ناگهان رقیبی نیرومند و متجاوز از شمال دریای خزر سربرآورد و بزودی سوار بر کشتیهای بزرگ و تیزرو در آبهای بحر خزر به عمل پرداخت.» (نوائی، ۱۳۷۷: ۲۰۳) در واقع پیدایش قدرت دریایی روس‌ها در خزر، مقدمه تصرف گرجستان و ارمنستان که قرابت مذهبی هم با روس‌ها داشتند نیز به حساب می‌آید.

لازم به یادآوری است این تحولات مبدأ و شروع دریانوردی روس‌ها در خزر نباید تلقی شود؛ چه پیشتر آفاناسی نیکیتین بازرگانی از تور، میان سالهای ۸۷۲ / ۱۴۶۶ تا ۸۷۸ / ۱۴۷۲ برای رسیدن به هند از دریای خزر عبور کرد (کالیتسوف و دیگران، ترجمه کامرانی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۱۳) و این بیانگر استفاده غیرنظامی روس‌ها از آبهای خزر در ایامی بود که هنوز تسلطی بر آن نداشته‌اند. اما با وجود پیش آمدن موقعیتهای مساعدی برای شاه عباس بزرگ، وی اقدامی در ایجاد نیروی دریایی و اعمال حاکمیت در عرصه دریای خزر به عمل نیاورد؛ چه انگیزه و ضرورتی به این اقدام احساس نمی‌شد و رقابتی در این عرصه وجود نداشت.

در دوران سلطنت شاه عباس دوم (۱۶۴۲/۱۰۵۲ - ۱۶۶۶/۱۰۷۷) روابط دو کشور ایران و روس رو به تیرگی نهاد و به مختصر درگیریهای نظامی در قفقاز بر سر

احداث قلاع نظامی در حوالی قلعه قوین سو انجامید و برای اولین بار در آبهای خزر این تیرگی روابط نمود یافت؛ چنانکه «تاخت و تازهای از طرف قزاقهای ناحیه دن و حملات آنها به سواحل جنوب بحر خزر»<sup>(۶)</sup> (نوائی، ۱۳۷۷: ۲۱۱) گزارش شده است (۱۰۷۱/ ۱۶۶۰-۱۶۶۱). دو سال پس از روی کار آمدن شاه سلیمان، تزار الکسی قزاقهای کنار دن را برانگیخت و ۶ هزار قزاق در چهل کشتی که هر کدام مسلح به توپ بود به سواحل گیلان حمله بردند و به قتل و غارت پرداختند و بعد به سرعت از سواحل دور شدند (۱۰۷۹/ ۱۶۶۹). قزاقها در ادامه شرارتها بار دیگر در سواحل فرح آباد مازندران پیاده شدند و به قتل و غارت مردم پرداختند و بعد شبه جزیره میان کاله در روبه روی فرح آباد را اشغال کردند و اسیران را به کندن خندق واداشتند و حصارى ساخته و توپهایشان را در آنجا مستقر ساختند، اما ایرانیان قبل از فصل سرما شبه جزیره را از چنگ آنان بیرون آورده، قزاقها را راندند (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۴: ۹۶).

ملاحظه می شود هر چند روس ها در پشت صحنه در گیریهای قزاقها و ایرانیها قرار داشتند با این مقدمات در فرصت بعدی، خود بی پرده و مستقیم به معارضه پرداختند و در دریای خزر با لشکرکشی گسترده ای در تحقق اهداف جاه طلبانه ای کوشیدند و به هر ترتیب از زمانی که دو قدرت در شمال و جنوب دریا ظاهر شدند قدم در عرصه رقابت نهادند اما تا این مقطع در گیریها بر سر تقسیم این دریا و میزان بهره وری طرفین از آن نبوده است و اختلافات موجود در حواشی دریا و بر سر خشکیها دامنه و انعکاسی هر چند نامرئی و غیرمستقیم داشته است.

### ب - تماسهای اولیه و درگیریهای غیرمستقیم

حال باید توجه داشت که پس از ظهور قدرت دریایی روسیه تزاری در خزر، آیا رقیبی بر آنها در عرصه این دریا وجود داشت و میزان بهره‌گیری دیگران از خزر چگونه بود. در پاسخ این سؤال باید مروری بر اوضاع سیاسی حواشی جنوبی دریای خزر داشته باشیم.

تا سال ۱۰۰۲ / ۱۵۹۲ یعنی در دوران فرمانروایی تزار، فنودور ایوانویچ در روسیه و شاه عباس صفوی در ایران گزارشی از تماسهای دو قدرت حاکم در دو قطب شمال و جنوب خزر ثبت نشده است. در ۱۵ محرم سال مزبور سفیر شاه عباس به نام حاج خسرو به حضور تزار فنودور رسید و «خواستار شد که چهار فروند کشتی که بین گیلان و هشرخان رفت و آمد می‌کند و متعلق به ایران است باید به دولت ایران تحویل شود.»<sup>(۷)</sup> (نوائی، ۱۳۷۷: ۲۲۱) گفتنی است کشتیهای مزبور غیرنظامی بود و متعلق به حاکم خود مختار گیلان یعنی خان احمد گیلانی بود که روابطی با روسیه و عثمانی برقرار کرده بود چندی طول نکشید که شاه عباس در اوآن سلطنت خود به استقلال او پایان داد (۱۵۸۸/۹۸۸). شاه عباس روابط دوستانه‌ای با تزارها داشت و دو کشور به تبادل سفیرانی پرداختند. این گونه ارتباط ناشی از درگیریهایی بود که ایران و عثمانی با هم داشتند. البته این رابطه در سال ۱۰۲۷ / ۱۶۱۸ وقتی شاهزادگان گرجستان از تزار روسیه تقاضای کمک و حمایت در مقابل شاه عباس کردند دستخوش دگرگونی شد و به خشم شاه عباس و دستور وی به قطع رابطه بین دو کشور انجامید. اما تزار که به این امر مایل نبود، پرنس میخائیل وروتیسکی را به سفارت به دربار ایران فرستاد تا اطمینانهای لازم را به شاه بدهد و در تحکیم روابط بین دو کشور اقدام کند (نوائی، ۱۳۷۷: ۲۲۵).

به هر ترتیب فتوحات درخشان شاه عباس در گرجستان و دفع ترکان عثمانی از این منطقه و گرفتاری روس‌ها به مشکلات داخلی خود موجب شد در ایالات ساحلی شمال دریای خزر، هرج و مرج شدیدی حکمفرما شود به گونه‌ای که هشرخان را زاروتسکی یاغی به دست گرفته، و مایل بود با شاه عباس کنار آید. بدین منظور محرمانه قاصدی نزد شاه عباس فرستاده بود و تزار بیم آن داشت که شاه عباس به هشرخان نظر داشته باشد (نوائی، ۱۳۷۷: ۲۲۷).

### ج - رقابت قدرتهای مستقر در شمال و جنوب دریا

اوج فعل و انفعالات نظامی دریای خزر در نیمه اول قرن دوازدهم قمری / نیمه اول قرن هجدهم میلادی گزارش شده است. در این برهه از تاریخ یک بار پتر کبیر، امپراتور قدرتمند و پرآوازه روس با تمهیدات و مقدمه‌چینی‌های گسترده و دقیق به تهاجم دریایی و ساحلی به جنوب دریای خزر و بندرها و شهرهای ساحلی آن اقدام کرد چندی نگذشت که نادرشاه افشار پس از اخراج قوای اشغالگر از ایران به تأسیس نیروی دریایی در دریای خزر و انتقال نیروهای نظامی خود به شمال غربی دریای خزر به منظور پشتیبانی از نیروهای نظامی‌اش در آن منطقه اقدام کرد.

پتر کبیر که در سیاست خارجی خود نقشه‌های وسیعی از جمله دسترسی به آبهای گرم خلیج فارس و هند را در مرزهای جنوبی روسیه در سر داشت، همزمان با دوران سلطنت شاه سلطان حسین صفوی در ایران، او نیز از قیود جنگ با سوئد فراغت یافت و نقشه گسترش به ماوراء خزر را دنبال کرد. وی پیش از هر اقدامی به منظور جمع‌آوری اطلاعات دقیق سیاسی، نظامی و اجتماعی، هوشمندترین و زیرکترین افراد را به عنوان سفیر به دربار ایران فرستاد در حالی که از این اقدامات وی ترکان عثمانی نیز حساس و نگران بودند، وان واردان و سوئی مونف را به منظور اکتشاف و

تهیه نقشه از سواحل و بندرهای خزر گسیل داشت<sup>(۸)</sup> (نوائی، ۱۳۷۷: ۲۲۸). البته ابراهام استانیان<sup>۱</sup> مأمور مقیم دولت انگلیس در قسطنطنیه در گزارش خود به لندن، هدف تزار را «سوق دادن راه تجارت ابریشم ایران از ترکیه به روسیه» (لکهارت، ترجمه قلی عماد، ۱۳۶۸: ۲۵۲) تلقی کرد. به‌رحال پتر در ۱۷۲۲/۱۱۳۴ با قوایی مرکب از ۲۲۰۰۰ نفر و ۴۴۲ کشتی و ۵۰۰ ناو از هشرخان حرکت کرد و از کنار دریای خزر به جانب شماخی راند و باکو را تصرف کرد. اما چون تصرف شهر به آسانی صورت نگرفت و زمستان هم نزدیک و آذوقه در اردو نایاب شده بود در اواسط ذی القعدة به هشرخان بازگشت (لکهارت، ترجمه قلی عماد، ۱۳۶۸: ۲۵۰).

پتر به فکر احداث شهر بزرگی در دهانه رود کورا افتاد که مرکزی برای تجارت گرجستان و با ایران و سایر ممالک واقع در مشرق و جنوب شرقی باشد. وی همچنین به منظور سهولت در جابه‌جایی نیروهایش به فکر استفاده از دریای خزر افتاد و دستور داد دو گردان سرباز تحت فرمان کلنل شیپوف<sup>۲</sup> با کشتیهایی زیر نظر سوئی مونیف عازم گیلان شوند (نوائی، ۱۳۷۷: ۲۴۰). البته حاکم گیلان با تشریک مساعی حاکم گسکر و آستارا قوایی در حدود ۲۰۰۰۰ نفر که عمدتاً به شمشیر و معدودی به اسلحه گرم از جمله یک آتشبار مجهز بودند به مقابله با روس‌ها شتافتند و به درگیری با آنها پرداختند (لکهارت، ترجمه قلی عمار، ۱۳۶۸: ۲۵۷). کمی پس از این درگیریها لواشف صاحب‌منصب سوارنظام با چهار گردان سرباز از سپاهی داوطلب از روسیه وارد شده فرماندهی را از شیپوف تحویل گرفت. همچنین یک نیروی ۳۰۰۰ نفری روس به فرماندهی ماژور ژنرال ماتیوشکین<sup>۳</sup> در ۲۰/۱۱۳۵ ژوئن

1- Abraham Stanyan

2- Shipov

3- Matyuoshkin



یا اول ژوئیه ۱۷۲۳ از هشرخان به سوی باکو حرکت کرد و پس از زیر آتش گرفتن شهر توسط دو زورق حامل توپ چهارگردان نیرو پیاده کرد و پس از مقاومت چهار روزه ایرانیان آنجا را تصرف کردند. خبر فتح باکو به پتر مسرتبخش بود و او آن را مفتاح سایر امور خود تلقی کرد (لکهارت، ۱۳۶۸: ۲۷۹-۲۷۶).

پس از این تحولات اسمعیل بیگ فرستاده شاه تهماسب ثانی در سن پترزبورگ به عقد موافقت نامه‌ای با پتر در مورخه ۲۸ ذی القعدة ۱۱۳۵ / ۱۲ / ۲۳ سپتامبر ۱۷۲۳ موفق گردید. این موافقتنامه شامل یک مقدمه و پنج ماده بود. براساس ماده دوم قرارداد «تھماسب در ازاء [گسیل لشکریانی از سوی تزار جهت قلع و قمع یاغیان (لکهارت، ۱۳۶۸: ۲۸۴-۲۸۲) در ایران] شهرهای دربند و باکو و توابع آنها به انضمام گیلان و مازندران و استرآباد را برای همیشه به روسیه واگذار می‌نماید.»<sup>(۹)</sup> بدین ترتیب تا تحولات بعدی، روس‌ها استیلای کامل بر دریای خزر و سواحل جنوبی آن را به دست آوردند و قدرت بلامنازع این دریا بودند.

طولی نکشید با طلوع قدرت نادری در ایران و قلع و قمع افغانها و واپس راندن عثمانیها از مناطق اشغالی، اوضاع دریای خزر و حاکمیت آن نیز دستخوش دگرگونی شد و اکنون روس‌ها در مقابل رقیب نیرومندی قرار داشتند که مایل نبود حاکمیت آنها را طبق معاهده پیشین بر این دریا و سواحل جنوب غربی و جنوب آن بپذیرد. البته روس‌ها نه تنها در مقابل نادر مقاومت نشان ندادند بلکه درجنگ با عثمانیها او را یاری کردند.

لازم به ذکر است نادر در ربیع‌الاول ۱۱۴۷ / ۲۱ اوت ۱۷۳۴ در جریان لشکرکشی به قفقاز به کنار رود کورا رسید و شیروان را به تصرف درآورد (لکهارت، ۱۳۶۸: ۲۸۵). او وقتی از نظر رساندن تجهیزات به گنجه، که در صدد محاصره آن نیز بود

در مضيقه قرار گرفت، فرمانده روسی مستقر در دربند با ارسال کشتیهای حامل تجهیزات به یاری او شتافت (لکههاری<sup>۱</sup>، ۱۹۳۸: ۳۸). همچنین روس‌ها وسایل قلعه‌گیری و توپخانه و مهندسی را در اختیار وی قرار دادند (فلور<sup>۲</sup>، ۱۹۸۷). اما علاوه بر روابط عاری از تخاصم و حتی قرین همکاری میان روسیه و ایران در این سالها در مسائل مربوط به دریای خزر نیز این تفاهم و حسن‌همجواری دیده می‌شود؛ چنانکه براساس معاهده ۱۰ رجب ۲۱/۱۱۴۴ ژانویه ۱۷۳۲ به اتباع روسیه اجازه داده شده است به منظور مرادوات بازرگانی با هندوستان یا کشورهای دیگر در عبور و مرور چه از راه خشکی و چه از راه دریا گمرکی گرفته نشود (شعبانی، ۱۳۷۷: ۳۵). همچنین در ماده پنج معاهده دیگری که در سال ۱۱۴۸ / ۱۰ مارس ۱۷۳۵ بین ایران و روسیه منعقد شد که بازرگانان روسی و کشتیهای آنها اجازه یافتند در همه لنگرگاه‌ها و کرانه‌ها و باراندازها بایستند و کالاهای خود را در هر جا بخواهند تخلیه کنند (مازندرانی، ۱۳۵۰: ۸۵).

نادر همزمان با تداوم عملیات بازپس‌گیری مناطق اشغالی در قفقاز به فکر تأسیس نیروی دریایی در دریای خزر و بهره‌گیری از آن در جابجایی نیروهای نظامی و تدارکات آنها افتاد و در اوایل سال ۱۱۵۲ / ۱۷۳۸ محمدحسین خان را به سمت فرمانده نیروی دریایی در دریای مازندران منصوب کرد (مازندرانی، ۱۳۵۰: ۱۸۸). در اقدام بعدی در سال ۱۱۵۳ / ۱۷۴۱ وقتی بر ضد لژگیهای داغستان اردو کشی کرد با مشکلات جابه‌جایی نیروها و هزینه‌گزار آن روبرو شد؛ زیرا بیشتر تدارکات مورد نیاز و اوضاع و احوال جغرافیایی و طبیعی کشور، الزاماً از راه دریای خزر عملاً

در انحصار روس‌ها بود و صاحبان روسی کشتیها گزافترین نرخ کرایه را از وی دریافت می‌کردند. برای حل مشکل در سال ۱۱۵۴ / ژوئیه ۱۷۴۲ نادر با کاپیتان جان التون<sup>۱</sup> انگلیسی درباره کشتیرانی و کشتی سازی در خزر مذاکره، و در نهایت او را به سمت سرپرست ساحل دریای خزر منصوب کرد و به او دستور داد تا کشتیهایی به سبک و اسلوب اروپاییان برایش بسازد (ترجمه ظهیری: ۴۱۴).

التون عملاً به خدمت نادرشاه درآمد در حالی که خدمات او از دید روس‌ها پنهان نماند. در اوایل سال ۱۷۴۳/۱۱۵۵ نادر رفتار تهدیدآمیزی نسبت به روس‌ها در پیش گرفت. روس‌ها نگران بودند که اگر نادر برای ورود به شرق خزر، جای پای محکمی در سرزمین ترکمنها به دست آورد و ناوگانی هم در دریای خزر داشته باشد، آن گاه حمله به روسیه برای او سهل و آسان خواهد بود. همچنین روس‌ها مدت‌ها بود که دریای خزر را روسی تلقی می‌کردند لذا به هرگونه کوششی از جانب دیگران برای کنترل آن با بی‌میلی شدید و با بیم و هراس می‌نگریستند<sup>(۱۰)</sup> (لکه‌هارت، ترجمه میرزا صالح، ۱۳۶۹: ۶۳).

به هر حال جان التون به فعالیت پرداخت و در اواخر سال ۱۷۴۳ میلادی یک کشتی در نزدیک لنگرود ساخت. سپس دو کشتی دیگر از نوع فری یگیت و چهار کشتی کوچکتر را کامل کرد و چهار قایق بزرگ نیز در دست ساخت داشت. نادر مصمم بود به توسعه این نیرو پردازد اما پس از قتل وی (۱۷۴۸/۱۱۶۰) نه تنها طرحهای وی دنبال نشد بلکه دولت روسیه برای از بین بردن کشتیهای ساخته شده و خود جان التون تلاش کرد و «نخست به دستور آن دولت اجازه حمل کالا از خاک روس برای تحویل به التون و یا هرکسی که با او در ارتباط بود ممنوع شد. سپس

دولت مذکور برای فروش دو کشتی انگلیسی در دریای خزر... به تجار روس و تردد آنها با پرچم روسیه پافشاری کرد.» (لکهارت، ترجمه میرزا صالح، ۱۳۶۹: ۶۴). همچنین با تجربیات دولت روسیه یکی از کشتیهای التون در سال ۱۷۴۵/۱۱۶۴ در نزدیکی رشت به آتش کشیده شد و بقایای کشتی دوم تا نزدیک یک قرن پیش در لنگرود دیده می‌شد و در سال ۱۷۴۵ / ۱۱۵۷ یک کشتی جنگی از نوع فری یگیت مجهز به هجده توپ را که التون برای نادر ساخته بود در آبهای دربند دیده شده بود (لکهارت، ترجمه میرزا صالح، ۱۳۶۹: ۶۵).

پس از دوران حکمرانان بعدی نیز به منظور تأسیس نیروی دریایی در شمال ایران حرکتی وجود نداشت در حالی که اقدامات قابل توجهی در سواحل و بندرهای جنوب کشور به عمل آمد به گونه‌ای که سی سال پس از مرگ نادر یعنی در زمان کریم‌خان زند قدرت دریایی ایران در جنوب مجدداً احیا شد.

#### د - انحصار کشتیرانی نظامی خزر توسط روس‌ها

شکست ایرانیها در جنگهای ایران و روس نه تنها موجب از دست رفتن سرزمینهای آن سوی ارس و الحاق آنها به روسیه شد، بلکه به تسلط نظامی روس‌ها در دریای خزر هم انجامید و از آن پس دولت ایران حق تأسیس نیروی دریایی و نگهداری و استفاده از کشتیها و تجهیزات جنگی را از دست داد و صرفاً این امتیاز به دولت روسیه داده شد. البته این شکست بیش از این برای ایران نکبت‌بار و خفت‌زا بوده است و از آن پس سلطه سیاسی روس‌ها تا اواخر دوره قاجار بر این کشور سایه افکنده بود. این حادثه برخلاف پندار برخی که هم روس‌ها و هم شاه قاجار را تجاوزکار دانسته‌اند<sup>(۱۱)</sup> در مورد متجاوز بودن قاجارها چندان صدق نمی‌کند چون در دوره‌های تاریخی عموماً منطقه قفقاز و دربند جزئی از ایران بوده است. اما

رفتارهای خشن برخی حکام و فرمانروایان ایران در منطقه به تمایل مردم برخی از شهرهای این منطقه به روس‌ها انجامید.

به هر حال حاصل این شکستها دو معاهده گلستان و ترکمنچای بوده است. عهدنامه گلستان پس از جنگهایی که از سال ۱۲۱۸ شروع شد و ده سال طول کشید در ۲۹ شوال ۱۲۲۸ ق / ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ امضا شد. براساس فصل پنجم این قرارداد تکلیف کشتیرانی دو کشور اعم از تجاری و نظامی این چنین معین شده است:

«کشتی‌های دولت روسیه که برای معاملات روی دریای خزر تردد می‌نمایند به دستور سابق مأذون خواهند بود که به سواحل و بنادر جانب ایران عازم و نزدیک شوند و زمان طوفان و شکست کشتی از طرف ایران اعانت و یاری دوستانه نسبت به آنها شود و کشتیهای جانب ایران هم به دستور العمل سابق مأذون خواهند بود که برای معامله روانه سواحل روسیه شوند، به همین نحو در هنگام شکست و طوفان از جانب روسیه اعانت و یاری دوستانه درباره ایشان معمول گردد و در خصوص کشتیهای عسگریه جنگی روسیه به طریقی که در زمان دوستی و یا در هر وقت کشتیهای جنگی دولت روسیه با علم و بیرق در دریای خزر بوده‌اند، حال نیز محض دوستی اجازه داده می‌شود که به دستور سابق معمول گردد و احدی از دولتهای دیگر سوای دولت روس کشتیهای جنگی در دریای خزر نداشته باشند» (نفیسی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۲۵۸).

اما با ازسرگیری مجدد جنگ بین دو کشور و شکست مجدد ایرانیها به معاهده ننگین دیگری ختم شد که سرنوشت مرزهای آبی و خاکی طرفین بطور قطع تعیین شد و عهدنامه ترکمانچای در ۵ شعبان ۱۲۴۳ / ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ میان دو کشور به

امضا رسید که براساس ماده هشتم آن میزان اختیارات طرفین در دریای خزر تعیین شد. در این ماده آمده است:

«کشتیهای تجارتی روسیه هم چنان از حق کشتیرانی آزاد در دریای خزر و در طول کرانه‌های آن و به ساحل رسیدن بهره‌مند خواهند بود. هنگام غرق شدن در ایران یاری و دستیاری خواهند یافت. همین حق به کشتیهای بازرگانی ایران داده می‌شود که مانند گذشته در دریای خزر کشتیرانی کنند و به سواحل روسیه برسند و ایرانیان هنگام غرق شدن به همان گونه یاری و دستیاری خواهند یافت. اما کشتیهای جنگی آنهایی که بیرق نظامی روسیه را دارند و از دیرباز یگانه کشتی‌هایی هستند که حق کشتیرانی در دریای خزر دارند. همین برتری نظامی به همین دلیل امروز نیز تنها به آنها تعلق خواهد داشت بدین گونه که بجز روسیه هیچ دولت دیگری نمی‌تواند کشتی جنگی در دریای خزر داشته باشد.» (نفیسی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۸۲).

این ماده از قرارداد که با قرارداد پیشین تفاوتی ندارد، میزان بهره‌وری دو دولت را از دریای خزر معین کرده است که کاملاً یکجانبه و به نفع روس‌ها در بعد استفاده نظامی بوده است و همچنان میان طرفین منبای عمل و به قوت خود باقی بود. به موجب قرارداد ۱۲۸۶ / ۱۹۰۷ روس و انگلیس، که ایران به سه منطقه تقسیم شد، نیز دچار تغییر نشد و تسلط نظامی روس‌ها در آن آسیب ندید و تنها به موجب آن «عواید گمرکات .... و صید ماهی در کرانه‌های دریای خزر می‌بایست به پرداخت وام مأخوذ از بانک شاهنشاهی انگلیس اختصاص یابد.» (مهمید: ۲۸۲) براساس قرارداد پتسدام<sup>(۱۲)</sup> ۱۹/۱۲۹۰ اوت ۱۹۱۱ که بین روسیه و آلمان به امضا رسیده بود دولت آلمان حقوق روسیه را بر ایالات شمالی ایران طبق قرارداد ۱۹۰۷ به رسمیت شناخت (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۴: ۳۳۷).

### هـ - الغای قرارداد ترکمنچای و حقوق مساوی طرفین در خزر

انقلاب ۱۹۱۷ شوروی و تحولات سیاسی که به حکومت بلشویکها انجامید مثل تحولات درونی، سیاست و روابط خارجی این کشور را دستخوش دگرگونی کرد. همین طور در مورد ایران نیز گردانندگان حکومت جدید به تجدید نظر در روابط دو کشور و به اصلاح آن پرداختند و در نتیجه معاهده دوستی سال ۱۳۰۰ / ۱۹۲۱ ایران و شوروی منعقد شد که براساس آن امتیاز انحصاری پیشین در استفاده از دریای خزر لغو گردید که در فصل اول آن معاهده چنین آمده است:

«نظر به اینکه مطابق اصول بیان شده در فصل اول این عهدنامه - عهدنامه منعقدۀ در دهم فوریه ۱۸۲۸ [ق. ۱۲۴۳] مابین ایران و روسیه در ترکمنچای نیز که فصل ۸ آن داشتن بحرّیه را در دریای خزر از ایران سلب نموده است از درجه اعتبار ساقط است. لهذا طرفین معظمین متعاهدتین رضایت می دهند که از زمان امضای این معاهده هر دو بالسویه حق کشتیرانی آزاد را در زیر بیرقهای خود در بحر خزر داشته باشند.» (قادری، ۱۳۵۹: ۱۱۶)

امان الله جهانبانی می نویسد «دولت ایران حق کشتیرانی و هرگونه استفاده از دریا را مجدداً به دست آورد و مطابق این قرارداد و مذاکرات کمیسیونهای مرزی دو کشور مرزهای دریایی دو کشور در دریای خزر<sup>(۱۳)</sup> نیز تعیین شد بدین ترتیب که از «آستارا آغاز و در نقطه ای که ۲/۲ کیلومتر شعبه شیلات ماهی گیری شوروی و علامت مرزی ۱۴۵ بر روی آن نصب شده است پایان می یابد. بنابراین در طول مسافت تقریباً ۷۰۰ کیلومتر که سرحد دریایی ایران است، مرزبانان ایران تماسی با مرزبانان [شوروی] نداشته و از سوانح و اتفاقات ناگوار سرحدی در امان می باشند.» (جهانبانی: ۱۱۲) اما دکتر محمدعلی موحد، حقوقدان صاحب نظر، تعیین حدود و ثغور

دریایی را، چه در قراردادها و چه در مرزبندیها میان دو کشور ایران و اتحاد جماهیر شوروی مردود و این ادعا را از هر گونه سند و مدرک عاری دانسته است. وی در مقاله‌ای تحت عنوان «در پیرامون نظام حقوقی دریای خزر» و در مبحثی با عنوان «خط موهوم آستارا - حسینقلی» با استدلالهایی هر گونه ادعای مبنی بر تعیین مرزهای دریایی ایران و شوروی را در دریای خزر مردود اعلام نموده است. وی می‌نویسد:

«نامه‌های مبادله شده میان ایران و شوروی در فاصله سالهای ۱۹۲۷ تا ۱۹۴۰ از موقعیت همتراز و حقوق متساوی طرفین حکایت داشته و خزر را به عنوان «دریای انحصاری ایران و شوروی» توصیف کرده است. همین وضع در عهدنامه ۱۹۴۰ به نحوی صریحتر بیان شده است. طرفین عهدنامه خزر را «دریای ایران و شوروی» نامیده و در امتداد سواحل آن یک منطقه اختصاصی به پهنای ده میل را برای صید ماهی مشخص کرده‌اند... خزر یک دریای انحصاری دو طرف عهدنامه ۱۹۴۰ است که طرفین آن عهدنامه در منطقه‌ای به پهنای ده میل از سواحل خود حق اختصاصی برای صید ماهی دارند و در ورای حد مزبور حقوق متساوی طرفین از هر لحاظ محفوظ است.»

دکتر محمدعلی موحد وجود توافقی در عهدنامه‌های موجود میان ایران و شوروی را که بیانگر تعیین مرز دریایی در خزر باشد، مردود دانسته، می‌نویسد: «ایران و روسیه منکر آن می‌باشند.» وی این مطلب را در مقابل ادعای جمهوری آذربایجان مبنی بر وجود قراردادی میان ایران و شوروی در خصوص دریای خزر و اختصاص بخش واقع در جنوب خط حسینقلی - آستارا در یک سخنرانی علمی طرح کرده است.



گفتنی است در قرارداد ۱۹۲۱ ایران و شوروی به مسائل دیگری نیز پرداخته شده است در فصل سوم آن به «حقوق مساوی از رودخانه اترک و سایر رودخانه‌ها و آبهای سرحدی» (قادری، ۱۳۵۹: ۱۱۴) اشاره شده و در فصل هفتم در باب امنیت دریای خزر توافق شد که «اگر در جزء افراد بحریه ایران اتباع دولت ثالثی باشند که از بودن خود در بحریه ایران برای تعقیب مقاصد خصمانه نسبت به روسیه استفاده نمایند، دولت شوروی روسیه حق خواهد داشت که انفصال عناصر مضره مزبور را از دولت ایران بخواهد.» (قادری، ۱۳۵۹: ۱۱۷) در فصل چهاردهم در مورد شیلات سواحل خزر توافق شد «با تصدیق اهمیت شیلات سواحل بحر خزر برای اعاشه روسیه دولت ایران پس از انقضای اعتبار قانونی تقبلات فعلی خود نسبت به شیلات مزبوره حاضر است که با اراده ارزاق ... شوروی ... قراردادی در باب صید ماهی با شرایط خاصی که تا آن زمان معین خواهد شد، منعقد نماید.» (قادری، ۱۳۵۹: ۱۱۵)

## دستاوردها

موقعیت جغرافیایی دریای خزر و حالت تقریباً بسته آن موجب شده است که ساکنان حواشی آن از قابلیتها و مقدورات آن بویژه در بعد کشتیرانی در طی قرون و اعصار بهره‌برداری ناچیزی داشته باشند و عمق کم آن در مناطق شمالی به عنوان عاملی مزید بر آن موجب شده است که اقوام و ملل ساکن در حواشی آن انگیزه محکمی برای دریانوردی و شکل‌گیری قدرتهای دریایی از دیرباز نداشته باشند. بنابراین از جوانب مختلف این دریا بکر بوده و ذخایر بستر و زیر بستر آن نیز تقریباً دست نخورده باقی مانده است.

تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در حوزه این دریاچه بزرگ جهان دو قدرت ذی نفع وجود داشت، اما بعد از آنها به تناسب افزایش تعداد واحدهای سیاسی پیرامون آن مدعاها زیاد و مسائل آن پیچیده تر شده است. در این راستا برخی از مدعیان به مستمسک‌های تاریخی نیز متوسل می‌شوند و شاید یافته‌های این مقاله، پاسخگوی برخی ابهامات تاریخی باشد که می‌توان دستاورد آن را در نکات ذیل بیان کرد:

۱- در ادوار باستان و میانه هرچند فعل و انفعالات سیاسی، نظامی و انواع کشور گشاییها و کوچها و جابه جاییهای اقوام در حواشی دریای خزر صورت گرفته، گزارشی دال بر محوریت این دریا در تحولات مزبور وجود ندارد و منازعه و مصالحه‌ای بر سر آن نبوده است.

۲- در قرون باستان و در زمانی که امپراتورهای بزرگی چون هخامنشیان و ساسانیان به مرکزیت ایران بر بخش اعظم این دریاچه بویژه در جنوب آن احاطه و سلطه داشتند در مناقشات با اقوام و طوایف نیمه بدوی مستقر در شمال دریاچه نیز نه از آن استفاده‌ای به عمل آمد و نه نزاعی بر سر آن بود.

۳- در کشف قابلیتها و استعدادهای آن نیز اقداماتی توأم با موفقیت به عمل نیامده است و اسکندر مقدونی طرحی در شناسایی آن دریا داشت که در عمل تحقق نیافت.

۴- تا زمان پیدایش قدرت دریایی روسیه تزاری در اواسط قرن نهم هجری / اواسط قرن شانزدهم میلادی، احاطه و اشراف قدرتهایی با خاستگاه جنوب دریا بلامنازع و بی‌رقیب بود و از آن پس سرنوشت این دریا دگرگون شد. از این تاریخ تا فروپاشی اتحاد شوروی، جنب و جوش و پویایی بی‌سابقه‌ای در عرصه آن مشاهده

شد که هم با لشکرکشی دریایی و ساحلی عظیم پتر کبیر به سواحل جنوب آن و اندک زمانی بعد ایجاد نیروی دریایی نادر در سواحل جنوب این دریا و استفاده از آن در پشتیبانی از عملیات داغستان و لزگستان جنبه نظامی داشت و هم با جابه جایی اقلام تجاری در بندرهای حوزه این دریا و در قرون متأخر با توسعه شیلات بویژه در سواحل جنوب جنبه اقتصادی داشت.

۵- از اوایل قرن سیزدهم هجری / اوایل قرن نوزدهم میلادی تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دو کشور حاشیه شمالی و جنوبی قراردادها و توافقات مهمی به عمل آمد که تعیین کننده مرزهای دو کشور باشد؛ یعنی از قراردادهای گلستان و ترکمنچای گرفته تا موافقتنامه‌های ۱۱/۹/۱۳۳۳ هـ / ۲ دسامبر ۱۹۵۴ و معاهده ۱۳۰۰ / ۱۹۲۱ و قرارداد ۱۳۲۰ / ۱۹۴۰ و ... به نحوی به میزان برخورداری طرفین از این دریا اشاره شده است؛ چنانکه برخی صاحب‌نظران رژیم حقوقی دریا را در متن این توافقات مستتر می‌دانند.

در این قراردادها نوساناتی در داشتن نیروی دریایی طرفین ملاحظه می‌شود به گونه‌ای که ایران از زمان عقد قرارداد ترکمنچای ۱۸۲۸/۱۲۴۳ از داشتن بحریه محروم بود و این محدودیت پس از سرنگونی حکومت تزارها و روی کار آمدن بلشویک‌ها برداشته شد و براساس قراردادهای بعدی طرفین توافق کردند که در دریای خزر از حقوق مساوی برخوردار باشند. این تساوی حقوق در دورانی که دو دولت در حوزه این دریا تسلط داشتند معین شد که امروزه با پیدایش پنج دولت در حوزه آن، تفسیر دیگری را می‌طلبد که همین موجب بروز اختلافات بین آنها گردید.

- ۶- سیر تحولات تاریخی این دریا و حواشی آن بویژه در حوزه قفقاز روند طبیعی خود را داشته است و تحولات مرزی ایران و روسیه پس از جنگهای بین این دو کشور از پیش طراحی شده و توطئه‌ای به قصد از بین بردن اتحاد تیره و طایفه‌ای خاص نبوده است و رفتار و سیاستهای نادرست و خشن حکام صفویه و قاجار با مردم قفقاز زمینه‌های تمایل و الحاق این سرزمینها را به روسیه فراهم کردند.
- ۷- عوامل تاریخی در حل مشکلات فعلی بی‌تأثیر نیست و روح قراردادهای منعقد شده بین ایران و روسیه در تعیین رژیم حقوقی این دریا حاوی پیام هستند و با توجه و دقت در فحوا و محتوای آنها می‌توان نکاتی را به دست آورد.

#### یادداشتها

- ۱- محل آخرین سکونتگاه طوایف ایرانی قبل از مهاجرت به داخل فلات می‌بایست در جایی واقع در نواحی شمال ولایات سغد، مرو، بلخ، نسا و گرگان باشد.
- ۲- این قوم را فرانسویها سیت یا اسکیت و ایرانیهای قدیم سک یا سکا و یونانیها شکلت Scolot نیز نامیده‌اند.
- ۳- لازم به ذکر است که تیره‌ای از سکاهای معروف به ماساژتها Massagetes بودند که بین دریای خزر و آرال سکنی داشتند و جنگی بین کوروش اول و آنان نیز ثبت شده است.
- ۴- لازم به ذکر است که مقابله با آنها به حدی حیاتی به شمار می‌رفت که در نامه تنسر آمده است: «هیچ آفریده را (غیر از شاهان زبردست) که نیز از اهل بیت ما باشد، شاه نمی‌باید خواند جز آن جماعت که اصحاب ثغورند: آلان و ناحیت مغرب و خوارزم و کابل» مقصود از صاحب ثغور آلان بر شیهه یکی از چهار مرزبانی است که خسرو اول نصب کرد.
- ۵- اردوی باتو به نام «گوگ اردو شهرت داشت به معنای اردوی کبود (آبی) و دستگاه حکومت او را به معنای آق اردو یعنی اردوی سفید، این دو با هم متحد شدند و از اتحاد آنها آلتین اردو (اردوی زرین) به وجود آمد.
- ۶- لازم به ذکر است چهار فرزند کشتی مزبور بین روسیه و گیلان در رفت و آمد بود.

۷- بیان این نکته هم لازم است که شاه عباس در سال ۱۰۰۰ / ۱۵۹۲ به منظور جلب دوستی روس‌های باکو و دربند را که در اشغال عثمانیها بود به روسیه بخشید تا بتواند در مقابل عثمانیها از حمایتهای روس‌ها بهره‌مند شود.

۸- پتر در سال ۱۱۰۱ / ۱۶۹۸ جان پری افسر دریایی و مهندس سدسازی انگلیسی را مأمور ساختن ترعه میان ولگا و دن و مشاور کشتی سازی کرد و در اواخر قرن هفدهم روسیه صاحبجندین کشتی در خزر بود.

۹- مقصود از یاغیان، افغانهای غلزایی بودند که به رهبری محمود و اشرف افغان شاه سلطان حسین صفوی را از اریکه سلطنت به زیر کشیده و به بخشهای عمده‌ای از کشور مسلط شده بودند.

۱۰- نادر به جان التون لقب جمال بگ داد و طبق نوشته هنوی وقتی التون به دربند بازگشت و به کشتی خویش رفت «به یک ایرانی تمام‌عیار مبدل شده و خلعت اهدایی شاه یعنی ردا و عمامه به تن و سر می‌کرد».

۱۱- این مطلب را نجبگان و روشنفکران محلی آذربایجان عنوان نموده‌اند (نشریه آزاد لبق، چاپ باکو، دسامبر ۱۹۸۹، ص ۵).

۱۲- بازرگانی شمال ایران، امتیازات در این ناحیه و وصل راه‌آهنهای خانتقین - خرمشهر و برلین - استانبول - بغداد و راه‌آهن خانتقین تهران مسائل طرح شده در مذاکرات و قراردادهای بن‌بام بود. قرارداد مزبور بین نیکلای دوم تزار روس و قیصر پنلهلم دوم امضاء شد.

۱۳- لازم به ذکر است طول دریای خزر از شمال به جنوب ۱۲۶۰ کیلومتر و عرض آن بین شبه جزیره آب شیرون Apcheron و بندر کراسنودسک بالغ بر تقریباً ۳۰۰ کیلومتر می‌شود.

### منابع فارسی

- پیرنیا، حسن و اقبال، عباس، تاریخ ایران، تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۶۲.
- پیگولوسگایا، ن، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- جهانبانی، امان‌الله، مرزهای ایران و شوروی.
- خدادادیان، اردشیر، تاریخ ایران باستان (اشکانیان)، تهران: نشر به‌دید و قلم آسیا، ۱۳۸۰.
- رضا، عنایت‌الله، ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران (کشمکش با قدرتها)، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- شعبانی، رضا، تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در دوره‌های افشاریه و زندیه، تهران: سمت، ۱۳۷۷.
- قادری، حاتم، پژوهشی در روابط ایران و روسیه شوروی یا قرارداد ۱۹۲۱، خطوط کلی تاریخ روسیه شوروی (۱۶۱۳ - ۱۹۴۰) ملتپتا و جنگها و ... ضمامنم، بی‌جا: ۱۳۵۹.

- کالیسوف، د.پ. و دیگران، تاریخ روسیه شوروی، ترجمه ح کامرانی، ج ۱، تهران: مؤسسه چاپ و نشر بیگوند، ۱۳۶۱.
- کریستین سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- کستلر، آرتور، خزران: ترجمه محمدعلی موحد، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- گیرشمن، ر، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
- لکه‌هارت، لارنس، «نیروی دریایی نادرشاه»، ترجمه غلامحسین میرزا صالح، مجله باستانشناسی و تاریخ، شماره‌های ۸ و ۹، مرکز نشر دانشگاهی، اسفند ۱۳۶۹.
- لکه‌هارت، لارنس، انقراض سلسله صفویه، ترجمه مصطفی قلی‌عماد، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۶۸.
- مازندرانی، وحید، مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران از عهد هخامنشی تا عصر پهلوی، (۵۵۹ق.م- ۱۹۴۲.م/ ۱۳۲۰ ش)، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه شاهنشاهی، چاپخانه بانک ملی، ۱۳۵۰.
- مهمید، محمدعلی، پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران.
- موحد، محمدعلی، «در پیرامون نظام حقوقی دریای خزر، جدال سعدی با مدعی بر سر خط موهوم آستارا حسقلی» ایران سیاسی.
- نقیسی، سعید، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در دوره معاصر، ج ۱ و ۲، بی‌جا، انتشارات بنیاد، ۱۳۶۴.
- نوائی، عبدالحسین، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران: سمت، ۱۳۷۷.
- «نیروی دریایی ایران در قرن هجدهم»، ترجمه عبدالله ظهیری، فصلنامه مطالعات تاریخی.
- هرمیداس باوند، داود، «رژیم حقوقی دریای خزر: نگاهی به ابعاد زیست محیطی و امنیتی» مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۰.
- هرودوت، تاریخ هرودوت، ترجمه غ وحید مازندرانی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی (۱۵۰۰ - ۱۹۴۵)، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
- والتر، کنل، تاریخ روسیه، ترجمه نجفقلی حسام‌عزیز، تهران: کتابفروشی حافظ، ۱۳۶۳.

## منابع انگلیسی

- Lockhart, Larance, Nadir Shah: A Critical Study Based mainly upon contemporary sources, London 1938.
- Willem Floor: The Iranian Navy in the Gulf the Eighteenth century, Iranian studies. Volume xx number 1 1987.

